

رویکردهای افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی

نرجس اشجع ۱ و جعفر مزروعی سبدانی ۲

Ashja.narges@gmail.com ۱

۲ دانشجوی دکترای مدیریت فناوری اطلاعات- مدیریت خدمات و توسعه فناوری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. Msra.h1360@gmail.com

چکیده

اتخاذ سیاست جنایی افتراقی نسبت به بزهکاری اطفال موجب اعمال راهکارها و تدابیر ویژه نسبت به آنان می گردد. در آمدی بر سیاست جنایی از جمله موضوعات قابل بحث در سیاست جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان، تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری و ماهیت پاسخ به بزهکاری آنان می باشد. قانونگذار مجازات اسلامی ۹۲ با اتخاذ سیاست کیفری خاص نسبت به سن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نیز پاسخ به رفتار معارض با قانون آنها، رویکرد نوینی را انتخاب نموده است. تحولات ناظر به مسئولیت اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۹۲ موجب طرح این مسئله می شود که آیا این تحولات با موازین فقهی در این خصوص انطباق دارد یا خیر.

واژگان کلیدی: رویکردهای افتراقی- اطفال- نوجوانان- قانون مجازات اسلامی

۱- مقدمه

دوران طفولیت، دوران تکوین و شکل گیری شخصیت انسان است. توجه و عنایت به امور تربیتی و مسائل روحی-روانی اطفال، در نگهداری و تعلیم، پرورش و سازندگی، از آنان موجوداتی قانون مند و سودمند به حال جامعه می سازد.

کودک امروز بزرگسال فرداست که می تواند نقش موثری در سازندگی جامعه ایفا نماید. بنابر این، امر خطیر سازندگی و تربیت اطفال علاوه بر خانواده بر عهده ی متصدیان امور جامعه بوده که باید با توجه و ساماندهی به موضوعات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی و سایر عوامل در ساختن جامعه ی بهنجار همت گمارند.

ذکر این نکته ضروری است که کودکی عاملی است که جنبه ها و آثار مختلف آن در جرم شناسی و حقوق کیفری همواره موضوع مطالعات و مقررات ویژه ای قرار گرفته است، زیرا صغار هم در مقابل بزه کاری و هم در مقابل بزه دیدگی آسیب پذیری بیشتری نسبت به بزرگسالان دارند. به همین جهت است که بنابر توصیه ی جرم شناسی بالینی، حتی اطفال و نوجوانان بزهکار در مراجع ویژه و به موجب آیین دادرسی خاص محاکمه و موضوع اقدام های حمایتی - تربیتی در کانون های اصلاح و تربیت واقع می شوند و بدین تربیت، رسالت حقوق جزای صغار، حمایت و مصون کردن اطفال و نوجوانان بزهکار و بزه دیده در برابر تکرار جرم و تکرار بزه دیدگی است^۱

هر کودک حق دارد از کرامت جسمی و شخصیتی و حمایت در برابر کلیه ی انواع خشونت برخوردار باشد. کودکان به عنوان اعضای جامعه ی انسانی، حق دارند از حقوقی که طبق پیمان های متعدد بین المللی حقوق بشر (که خود برگرفته از اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند برای آن ها محفوظ شده است برخوردار باشند).^۲ از زمان پذیرش اعلامیه ی جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ اولین اعلامیه ی قاطع در این زمینه که البته از لحاظ قانونی الزام آور نیست، بیش از ۶۰ پیمان و توافق نامه در زمینه ی برده داری، اجرای عدالت، وضعیت پناهندگان و گروه های اقلیت و حقوق بشر تدوین شده است. کلیه ی این پیمان ها و توافقات بر اساس مفاهیم عدم تبعیض، برابری و شناخت کرامت و شرافت انسانی هر فرد چنانکه در اعلامیه آمده تدوین شده است و هر کدام از آن ها به روشنی مشخص می کنند که حقوقی که در اعلامیه آمده است بر مبنای اصل برابری در دسترس همه از جمله کودکان است. در ماده ی ۲۵ از سند دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که: کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون آن به دنیا آمده باشند حق دارند از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار گردند."

به موجب بند اول ماده ی ۲۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است:

"هر کودکی بدون هیچ گونه تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اصل و منشای ملی یا اجتماعی، یا نسب حقی دارد از تدابیر حمایتی که به اقتضای وضع صغیر بودنش از طرف خانواده او و جامعه و دولت او باید به عمل آید برخوردار گردد"

بند سوم ماده ی ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در همان تاریخ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید اعلام می دارد

"تدابیر خاصی در حمایت و مساعدت به نفع کلیه ی اطفال ممیز و غیرممیز بدون هیچ گونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ شود"

^۱ نجفی ابرند آبادی، علی حسین با سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحقيقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، ۱۳۷۴، ح

^۲ UNICEF(2005).UN Human Rights Standards and Mechanism to combat Violence against children:A contribution to the UN secretary General's study on Violence against children Florence UNICEF innocent Research center.Available at:www.UNCIF.org/south Africa/SAF-resources/r12

بنابراین کودک کان دینفعان حقوق و اصولی هستند که در استاد جهانی حقوق بشر درج شده است. همچنین کودکان دینفعان حقوق و حمایت هایی هستند که در پیمان های خاص از جمله منع تبعیض نژادی، تبعیض علیه زنان، منع شکنجه و حقوق کارگران مهاجر، به آن ها اشاره شده است. این ابزار های قانونی برای دولت هایی که آن ها را پذیرفته اند الزام آور هستند و شامل بخش هایی راجع به منع و ریشه کنی خشونت علیه کودکان می باشند و اجرای آن ها به گسترش حمایت های خاص از کودکان کمک می کند.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شامل بخش هایی است که طبق آن باید از کودکان در برابر استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شود و با هر گونه اقدام برای به کار گرفتن کودکان در کارهایی که برای اخلاقیات، سلامتی و زندگی آن ها مخاطره انگیز باشد و یا احتمال صدمه زدن به رشد عادی آن ها را در بر داشته باشد به طور قانونی برخورد شود طبق بند پنجم از ماده ششم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی اجرای مجازات اعدام در مورد کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال به صورت کاملا روشن ممنوع شده است

امروزه ما شاهد شکل گیری رویکرد جدیدی هستیم که حتی به کودکان بزهکار هم به عنوان یک قربانی نگاه می کند. چرا که با بررسی ریشه ها و علل ارتکاب جرم به خوبی روشن می شود که کودکی که قانون را نقض می کند در واقع بزه دیده است و نه تنها نباید با او همانند یک بزهکار رفتار شود، بلکه بایستی از حداکثر امکانات جامعه برای حمایت و باز اجتماعی کردن او استفاده شود. حتی باید گفت که اطلاق عنوان بزهکار به طفل برخلاف اصول و مبانی حاکم بر مفهوم طفل محسوب می شود، زیرا کودک با مولفه های شخصیتی که دار است هنوز فاقد اراده ی آزاد و کامل است. بنابراین بزهکاری اطفال، معلول نابسامانی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است و کودک بزهکار به نوعی خود قربانی سیاست های غلط اجتماعی و حقوقی است و یا در اثر سهل انگاری اولیاء یا تحت تاثیر محیط آموزشی با دوستان ناباب، مرتکب جرم شده است. به عبارت دیگر، فرضیه ی علمی و صحیح این است که خواه کودک فاعل و مرتکب جرم شناخته شود یا اینکه جرم علیه او واقع شود و به اصطلاح مجنی علیه جرم تلقی گردد، در هر دو فرض قربانی تعاملات غلط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... محسوب می گردد.

به جهت آسیب پذیری کودکان در برابر رفتارهای خشن، اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق آن ها در راستای اعمال سیاست های حمایتی، مطابق با معیارهای بین المللی، ضروری به نظر می رسد. قوانین خاص اطفال باید در دادرسی و رسیدگی به جرائم اطفال معارض قانون در صدد واکنش هایی باشند که در جهت بازسازی شخصیت، اصلاح و تربیت و باز گرداندن آنان به یک زندگی سالم تلاش نمایند.

اقدامات تأمینی و تربیتی، تشکیل دادگاه های اختصاصی اطفال و ایجاد مراکز و موسسات تربیتی که اقدامات اصلاحی و حمایتی نسبت به اطفال اعمال نمایند، می تواند در نیل به مقاصد پیشگیرانه و بازدارنده موثر واقع گردد.

ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی به حقوق کودکان، قانون گذاران ملی را بر آن داشته است که در صدد اصلاح قوانین موجود برای کودکان بر اساس واقعیت های اجتماعی، بر آیند و قوانین ویژه ای را که در بر دارنده ی حقوق کیفری ماهوی و شکلی باشد تدوین کنند در ایران به شکلی کلی نمی توان گفت که سمت و سوی سیاست تقنینی در قبال کودکان بزهکار مبتنی بر ارفاق و اصلاح و درمان بوده یا مبتنی بر سر کوب و تعزیر است. چرا که مقنن پیش از آنکه اصول و مبانی عرفی حقوق کودک را مد نظر قرار دهد، ملهم از اصل چهارم قانون اساسی، موازین اسلامی را مد نظر قرار داده است. اما حتی در این زمینه نیز گاه به ترجمه متون فقهی شرع به طور صرف اکتفا نموده و از اجتهاد و روزآمد کردن احکام مبتنی بر واقعیات جامعه دوری گزیده است

شاید بتوان گفت که دیدگاه غالب در تدوین سیاست کیفری بدین صورت است که اولاً احکام از پیش گفته شرع را فصل الخطاب همه مسائل و مشکلات می داند و ثانياً با خود شیفتگی قابل ملاحظه ای نیازی به همگرایی با سیاست کیفری جهانی در قبال

کودکان بزهکار احساس نمی کند. این خود شیفتگی را در پیوستن ایران به کنوانسیون بین المللی حقوق کودک با حق شرط با حق تحفظ می توان مشاهده نمود^۱

قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ با واقع بینی و متأثر از واقعیات علمی - تجربی، اختلاف در اقوال فقهی و تعهدات بین المللی معیار مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان را با پذیرش تأثیر رشد جزایی در آن به طور نسبی دگرگون نموده است. اتخاذ چنین سیاست کیفری سنجیده‌مانی همراه با برخی نوآوری است؛ نخست: قانون گذار با تفکیک جرایم تعزیری از جرایم موجب حد یا قصاص و با روی گردانی از نظام مسئولیت کیفری دفاعی اقدام به جایگزینی آن با نظام مسئولیت کیفری تدریجی در جرایم تعزیری نموده است. طبقه بندی اطفال و نوجوانان در گروه های سنی بدون تبعیض جنسیتی از جلوه های بارز این رویکرد می باشد. در این رویکرد بین سن بلوغ شرعی و سن مسئولیت کیفری تفکیک به عمل آمده است. سن مسئولیت کیفری در جرایم تعزیری وفق مادهی ۸۹ قانون مزبور ۱۵ سال تمام شمسی است. به علاوه، مسئولیت کیفری نوجوانان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی از نوع مسئولیت کیفری کاهش یافته و بسیار خفیف تر از بزرگسالان می باشد. بنابراین در جرایم تعزیری وفق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مزبور سن مسئولیت کیفری کامل ۱۸ سالگی و سن کمتر از ۹ سال شمسی، سن عدم مسئولیت مطلق است و صغار در این گروه سنی، خواه ممیز یا غیر ممیز، هیچ گونه مسئولیتی نخواهند داشت و هیچ تصمیمی را نمی توان قانون در مورد آنان اتخاذ نمود. (صوری پوره سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۱۸۲) مسئولیت نسبی اطفال از سن ۹ سال تمام شمسی آغاز می گردد. اطفال و نوجوانان گروه سنی ۹ تا ۱۲ و ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی در قبال نقض قوانین کیفری واجد مسئولیت نسبی اند و صرفاً اقدامات اصلاحی و تربیتی در مورد آنان قابل اتخاذ خواهد بود. مسئولیت کیفری تقلیل یافته نوجوانان کمتر از ۱۸ سال در ماده ۸۹ که متضمن صرفاً سه نوع پاسخ کیفری نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی، خدمات عمومی رایگان است، اصولاً جنبه ی تنبیهی و بازپرورانه دارند. (صوری پور، «سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲/۱۸۳») چنین اقداماتی روی هم رفته موجب بارپذیری اجتماعی و بهبود فرآیند رشد، تربیت و پیشگیری از بزهکاری آنان می گردد. قانون گذار با تدریجی نمودن مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری به یکی از مهم ترین ارکان مسئولیت کیفری یعنی قوه ی تمییز یا رشد عقلانی توجه نموده است. دوم، قانون گذار بنابه ملاحظات فقهی و تأمین نظر شورای نگهبان، معیار مسئولیت کیفری در جرایم موجب حد یا قصاص را سن بلوغ شرعی شمرده و بر مبنای آن دختران و پسران را به ترتیب در سن ۹ و ۱۵ سال تمام قمری دارای اهلیت جزایی کامل در قبال جرایم یاد شده قلمداد می نماید. بنابراین قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ همچون قوانین مجازات اسلامی سابق در جرایم موجب حد و قصاص از نظام مسئولیت کیفری دفاعی تبعیت نموده است. با این وجود به منظور اجتناب از اعمال مجازات های سنگین و نامتناسب، در کنار سن بلوغ، رشد جزایی نیز وفق ماددی ۹۱ به عنوان ضابطه ی مکمل برای تحقق مسئولیت کیفری افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال شمسی شناسایی شده است. مطابق این ضابطه چنانچه در رشد و کمال عقل این گروه از نوجوانان شبهه ای وجود داشته باشد یا ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن را درک نکنند، مسئولیت کیفری آنان از حد به تعزیر کاهش می یابد.

با عنایت به مطالب پیش گفته اکنون به بیان سوالات تحقیق می پردازیم.

۱) جهات افتراقی دادرسی اطفال در نظام حقوقی فعلی ایران کدامند؟

۲) سیستم دادرسی کیفری اطفال ایران با اسناد بین المللی چقدر هماهنگی دارد؟

۳) زمینه ها با موانع فقهی احتمالی انطباق حقوق داخلی با اسناد بین المللی در این مورد کدامند؟

۴) نارسایی ها و نکات ضعف دادرسی کیفری اطفال در ایران چیست؟

^۱ جوانمرد، بهروز، بررسی جایگاه حمایت های کیفری از کودک در نظام تقی ایران و چالش های مرتبط با آن، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز شماره

تدابیر ویژه اطفال در اسناد بین المللی و قانون ایران

اگر همه اصول بنیادین دادرسی اطفال مو به مو و کامل انجام پذیرد، ولی مرحله تصمیم گیری به طور کاملا گذرا، مورد توجه واقع شود، می توان به این نکته مطمئن بود که واقعا اهداف عالی دادرسی اطفال تامین شده باشد. لذا با وصف حاضر مرحله تصمیم گیری و سلله تدابیر اعمال شونده در خصوص اطفال مستلزم ظرافت و تیزبینی خاص است که می بایست مدنظر واقع شود. در جریان تصمیم گیری، می بایست این نکته احراز گردد که مجازات و تصمیم اخذ شده از یک طرف با اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم و وضعیت خاص وی مطابقت دارد. برای اینکه مجازات و تصمیمات اخذ شده از یک طرف با اوضاع و احوال حاکم بر ارتکاب جرم متناسب باشد و از طرف دیگر با سنگینی و قباحت جرم مطابقت نماید و در عین حال به منافع طفل و جامعه نیز توجه کند، لازم است مرجع تصمیم گیرنده از یک سلله تصمیمات مقرر شده و یک سری تصمیمات اختیاری برخوردار باشد، تا بتواند حکم مقتضی را به سادگی در خصوص فرد مورد نظر صادر نماید که بدین منظور در این قسمت به تدابیر موجود در قوانین بین المللی اشاره می شود طبق تبصره ۴ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک در دادرسی اطفال اتخاذ هر نوع تصمیم از قبیل مواظبت، راهنمایی، نظارت، مشاوره، آزادی با مراقبت، سپردن به خانواده دیگر، اجرای برنامه های آموزشی عمومی و حرفه ای و اقدامات دیگر باید در جهت اصلاح و تربیت و حفظ منافع و منطبق با مونت طفل و جرم باشد. و ماده ۱-۱۸ مقررات بیجنگ نیز مقرر داشته است که و مقام صلاحیتدار حتی المقدور با احتراز از صدور احکام نگهداری در محیط بسته و موسسات و کانون اصلاح و تربیت، می تواند تصمیمات زیر را اتخاذ نماید.

- هدایت و حمایت و مراقبت
- آزادی با مراقبت
- جزای نقدی
- جبران ضرر و زیان و استرداد اموال
- اشتغال به کارهای عام المنفعه.
- شرکت در فعالیت های انجمن های علمی و هنری بطور گروهی و سایر فعالیت های اجتماعی مشابه.
- اجرای روش هایی به جای مجازات های سالب آزادی (سازش با مجنی علیه و غیره).
- سپردن به خانواده دیگر.
- حکم به نگهداری در موسسه با کانون اصلاح و تربیت یا درمان:

در اجرای تصمیمات و احکام مقام صلاحیتدار، والدین حق نظارت و مراقبت را دارند، مگر اینکه اوضاع و احوال ایجاب نماید، مثلا از آنان سلب حضانت شده و با رابطه آنان با طفل قطع شده باشد."

با وجود قواعد و مقررات فوق در خصوص نحوه تصمیم گیری در مورد اطفال بزهکار در قوانین بین المللی و پیوستن ایران به یکی از این کنوانسیون های بین المللی، لازم بود که مقنن ایرانی نیز به فراخور احتیاجات و افتضانات فرهنگی و اجتماعی خود، برخی از این تصمیمات را در خلال مجموعه قواعد کیفری خود درج می نمود، ولی متأسفانه علی رغم سیر تاریخی طولانی قانونگذاری راجع به اطفال بزهکار در ایران، کمترین توجه نسبت به این قسمت از دادرسی بوده است. در اینجا لازم است به تصمیمات مصرح و غیر مصرح در خصوص اطفال بزهکار اشاره کنیم در ایران با وجود تفکیک دادرسی اطفال از بزرگسالان، مواد قانونی قابل توجهی در خصوص واکنش نسبت به اعمال ارتكابی اطفال وجود ندارد و به طور کاملا خلاصه، گاه با اشاره های غیر مستقیم قانون، برخی از این اعمال و تدابیر در خلال مواد قانونی ذکر شده اند که به ترتیب زیر است

- سپردن به سرپرست

به موجب ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان بعهده سرپرست اطفال ... می باشد.

باید توجه داشت که سپردن به سرپرست تنها برای تربیت طفل است و از طرف دیگر این ترتیب یک وظیفه طبیعی است و نمی توان آن را به عنوان تصمیم دادگاه قلمداد نمود

- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت

قسمت اخیر ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد که "اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه بعهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد." کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که نگهداری، تهذیب و تربیت اطفالی را که بر حسب مقررات به آن سپرده می شود به عهده می گیرد و از جمله موسسات تأمین است. از لحاظ سازمان، کانون از سه قسمت مجزا تشکیل شده است:

۱- قسمت نگهداری موقت:

۲- قسمت اصلاح و تربیت:

۳- زندان

هر یک از قسمت های فوق از یکدیگر مجزا بوده و در هر نعت اطفال خاصی نگهداری می شوند. درون کانون یک تقسیم بندی خاص راجع به انواع جرایم و جنس مددجویان و سن آن ها وجود دارد. در قسمت نگهداری موقت کانون، اطفالی که هنوز در خصوص آن ها تصمیمی خاصی اتخاذ نشده است نگهداری می شوند. در این قسمت سوابق اجتماعی و خانوادگی اطفال، توسط مددکاران اجتماعی جمع آوری می شود که در مراحل بعدی مد نظر متولیان واقع خواهد شد. در قسمت اصلاح و تربیت اطفالی نگهداری می شوند که از طرف دادگاه اعزام شده و با دستور مجدد انتقال آن ها به قسمت اصلاح و تربیت داده شده باشد. این قسمت دارای کلاس های آموزشی مختلف کار و حرفه آموزی است و متخصصین علوم روانی و تربیتی و اجتماعی نقش بسزایی در این قسمت دارند. در قسمت زندان اطفال ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارند که بعضا در بین آن ها اطفال سایر قسمت ها نیز به جهت اوضاع و احوال خاص، دیده می شوند که از آن جمله، وضعیت اخلاقی در نظم کانون است که موجب انتقال به بخش زندان می گردد باید توجه داشت که کانون اصلاح و تربیت علی رغم همه محاسن و معایبش، هنوز به طور فراگیر در همه جای کشور وجود ندارد و همچنین طبق تبصره ۲ ماده ۲۲۴ "اگر در حوزه دادگاه کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد. منظور از محل مناسب در اینجا مبهم است و به نظر می رسد جایی جز زندان بزرگسالان، برای نگهداری اطفال وجود نداشته باشد.

- تنبیه بدنی و شلاق

طبق تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان مصلحت باشد. "از نظر شرعی نیز مقرر گردیده " پدر حق دارد فرزندان غیر بالغ خود را تادیب کند و معلم نیز اعم از آنکه مدرس باشد با آموزنده حرفه و کسب، حق دارد شاگرد صغیرش را ادب کند و جد و وصی هم حق دارند کودک تحت ولایت خود را تادیب کنند. به موجب یک رای در صورتی که مادر وصی طفل باشد یا او را در تکفل خود داشته باشد و هم چنین در غیاب زوج حق دارد طفل خود را تادیب کند، جز در این موارد برحسب رای مشهور و برتر، مادر حق تادیب ندارد." ولی شلاق موصوف در ماده اخیر الذکر بر خلاف مورد قبلی از نظر میزان معین بوده و به عنوان یک مجازات مقرر گردیده است.

- تدابیر غیر مصرح

به نظر می رسد که قضات دادگاه اطفال به این نتیجه رسیده اند که کودکان نمی توانند منتظر مساعدت قانون باشند، بنابراین در جهت تفسیر مناسب از قانون که به اصلاح اطفال منجر شود، تلاش نموده اند. به همین دلیل هم قضات، با صدور احکام حرفه آموزی در محیط کانون اصلاح و تربیت، سعی در شکوفاسازی استعداد اطفال نمودند. بعد از صدور این احکام، حرفه هایی همانند

^۱ میر سعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۳)، مسئولیت کیفری: قلمرو و ارکان، نشر میزان

ملیله دوزی، مثبت کاری، معرق کاری، باغبانی، ساختمان سازی، نگارگری روی سنگ، سفالگری، آرایشگری و به اطفال آموزش داده می شود. یکی دیگر از تدابیر غیر مصرح، حبس در منزل است، به این ترتیب که اطفال در منزل محل سکونت خود تحت نظر والدین حبس می شوند و پس از گذشت مدت زمان خاص، امتیازات ویژه ای به آنان اعطاء می شود. حکم به سواد آموزی نمونه دیگری از اینگونه احکام ارفاقی است که در آن، زمینه برای ادامه تحصیل طفل فراهم می شود و تا زمان اعلام رضایت از موقعیت اجتماعی ادامه می یابد.

استفاده از حبس پایان هفته راهکار دیگری است که در آن محکوم علیه در روزهای پایان هفته (پنج شنبه و جمعه) در کانون حاضر و به وظایف خود عمل می نماید.

به طور کلی باید گفت که آثار سودمند اینگونه اقدامات جایگزین روز به روز نمود بیشتری پیدا می کند که البته با تصویب لایحه دادگاه های اطفال این روند سیر تندتری را هم می یابد.^۱

- تعلیق اجرای مجازات

به موجب ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می تواند مجازات را تعلیق نماید و دستور با دستورات زیر را از محکوم در ایام تعلیق بخواهد.

- ۱- مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری با اعتیاد.
- ۲- خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین
- ۳- اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی
- ۴- خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات، یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آن ها را برای محکوم مضر تشخیص می دهد.
- ۵- خودداری از رفت و آمد به محل های معین
- ۶- معرفی خود در مدت های معین به شخص یا کسانی که رئیس حوزه قضایی تعیین می کند؛

به این ترتیب روشن است که تعلیق اجرای مجازات موجب آزادی مجرم و عدم ارتکاب برخی اعمال و رفتار توسط وی می باشد و از جمله راهکار های کاملاً شفاف و روشی است که مقنن بدان پرداخته است که می توان در خصوص اطفال نیز بدان استناد نمود^۲

- آزادی مشروط

طبق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی: "هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی، می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید.

- ۱- هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد ۲- هر گاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد.

^۱ قیاسی، جلال الدین و حیدری، مسعود (۱۳۹۲) « مطالعه معیار بلوغ در تحقق مسئولیت کیفری در لسان شرع متشرعین و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش

های فقه و حقوق اسلامی، سال ۹، شماره ۳۲

^۲ نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، درباره سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در: درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته ی کریستین لازرته ترجمه: علی

حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم

۳- هر گاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زبانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد با قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت دادستان ترکیبی برای پرداخت داده باشد.^۱

اطفال نیز در صورت ارتکاب فعل مجرمانه و محکومیت به تحمل حبس می توانند از مزایای آزادی مشروط استفاده نموده و از تأثیرات سوء مجازات زندان در امان مانند.^۲

اتخاذ پاسخ های اصلاح مدار

قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ در پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان سیاست کیفری مبتنی بر اصلاح و بازپروری را اتخاذ نموده است. چه آنکه اولاً، به خلاف قانون مجازات اسلامی سابق مصوب ۱۳۷۰ که علی رغم میرا شناختن اطفال از مسئولیت کیفری، تنبیه بدنی و شلاق تعزیری آنان را وفق تبصره ۳ مادهی ۴۹ و مادهی ۱۱۳ تجویز می نمود، قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ مجازات های یاد شده را از سیاهه ی پاسخ های قابل اعمال بر اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری حذف نموده است و در عوض پاسخ های اصلاحی، تربیتی و حمایتی برای گروه سنی ۹ تا ۱۵ سال و پاسخ های تنبیهی تخفیف یافته برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال را در مواد ۸۸ و ۸۹ پیش بینی نموده است. بدین ترتیب قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ افراد کمتر از ۱۸ سال را نیز مستحق دریافت پاسخهایی قرار داده است که جنبه ی تنبیهی و بازپرورانه دارند. برای نمونه، وفق مادهی ۸۹ نگهداری در کانون اصلاح و تربیت به مدت ۲ تا ۵ سال جایگزین مجازات حبس بین حداقل ده سال تا حداکثر حبس ابد در جرایم تعزیری درجه ی یک تا سه شده است. به علاوه قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ با توجه به اصل عدم توسل به سلب آزادی اطفال و نوجوانان، ضمن لغو مجازات حبس از فهرست مجازات اشخاص کمتر از ۱۸ سال و برای اجتناب از پیامدهای سوء نگهداری آنان در کانون اصلاح و تربیت، اقامت در منزل و نگهداری پایان هفته در کانون یاد شده را به عنوان تدابیر جایگزین آن در تبصره ۲ مادهی ۸۹ پیش بینی نموده است. اتخاذ چنین رویکردی در حالی است که وفق مادهی ۴۹ قانون مجازات اسلامی سابق با وجود میرا بودن اطفال از مسئولیت کیفری تربیت آنان با نظر دادگاه بر عهده ی سرپرست اطفال و عندالاقضاء کانون اصلاح و تربیت شناخته شده بود و برای اطفال نه حداقل سنی و نه مدت زمانی برای نگهداری آنان در کانون تعیین شده بود. پیش بینی نهاد مسئولیت کیفری کاهش یافته در جرایم موجب حد و قصاص وفق ماده ی ۹۱ این قانون نیز بر پایه ی سیاست کیفری رهایی حداکثری از مجازات و اصلاح و بازپروری نوجوانان ارزیابی می گردد. (تحولات ناظر به مسئولیت کیفری صغار با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ / ۳۶ به بعد) روی هم رفته پاسخهای قانونگذار مجازات اسلامی ۹۲ به بزهکاری اطفال و نوجوانان معمولاً بدون دور ساختن بزهکار از خانواده و جامعه اسباب بازگشت آنان به زندگی سالم را فراهم آورده و مانع برچسب مجرمانه به آنان می گردد. (حقوق کیفری کودکان و نوجوانان؛ فرآیند پاسخ دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان / ۱۶۴؛ طفل کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟ / ۲۱۶؛ خواجدنوری، «سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار؛ جلوه ها، چالش ها و آثار» / ۱۱۶) ثانیاً، تنوع پاسخ ها موجب افزایش صلاح دید قضایی در اتخاذ تدابیر متناسب با وضعیت جسمی - روحی اطفال و نوجوانان معارض با قانون در چهارچوب اصل فردی کردن واکنش هاست و به تحقق اهداف اصلاح و درمان کمک شایانی می نماید. علاوه بر آن قانون گذار با پیش بینی نهادهای رفاقی نظیر تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تقلیل مجازات، تعدیل اقدامات تأمینی و تربیتی و زوال آثار محکومیت کیفری وفق مواد ۹۰، ۹۳، ۹۴ و ۹۵ این امکان را فراهم آورده است که از ورود اطفال و نوجوانان به فرآیند کیفری رسمی جلوگیری و

^۱ نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، درباره سیاست جنایی افتراقی، دیپاچه در : درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته ی کریستین لازرژه ترجمه :علی

حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم

^۲ نوبهار، رحیم (۱۳۹۱)، « سن و مسئولیت کیفری بازخوانی نظریه مشهور فقهای امامیه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره دوم

موجبات بازسازی نظام شخصیتی آنان را فراهم نماید. تعویق صدور حکم فاقد سابقه ی تقنینی بوده و برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ پیش بینی شده است. عدم قابلیت اعمال مجازات های تکمیلی و تبعی و نیز قواعد تکرار جرم نسبت به اطفال و نوجوانان نیز روی هم رفته گویای اهداف اصلاحی و درمانی است

نارسایی ها

هر چند قانون گذار مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قوانین مجازات اسلامی سابق سیاست کیفری معقولی را اتخاذ نموده است، با این وجود از برخی نارسایی ها و اشکالات قانونی نیز رنج می برد.^۱

حداقل های سنی

چندگانه تعیین حداقل های سنی چندگانه به عنوان معیار مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان مهم ترین ایراد قانون مجازات اسلامی ۹۲ می باشد. چه آنکه قانون گذار برحسب ماهیت جرم و جنسیت اشخاص حداقل های سنی متمایزی را به رسمیت شناخته است؛ از یک سو حداقل سن مسئولیت کیفری در جرایم تعزیری را ۱۵ سال تمام شمسی قرار داده است، و از سوی دیگر حداقل سن مسئولیت کیفری در جرایم موجب حد یا قصاص را با تبعیض جنسیتی دختر و پسر به ترتیب ۹ و ۱۵ سال تمام قمری شناخته و موجب پیدایش حداقل های سنی سه گانه گردیده است. تمایز در نحوه محاسبه سال های قمری و شمسی و بعضا تداخل میان آنها، سبب برخی تعارض ها و ابهام های قانونی و سر در گمی و افزایش اشتباهات کسانی می شود که در امر دادرسی کیفری اطفال و نوجوانان مداخله دارند. از این رو پیشنهاد می گردد سن مسئولیت کیفری در جرایم موجب حد یا قصاص نیز همچون جرایم تعزیری ۱۵ سال تمام شمسی قرار داده شود؛ با این تفاوت که در جرایم موجب حد یا قصاص و به اقتضای جمع میان قاعدهی درء و نظم عمومی، افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی اصولاً غیر بالغ و غیر رشید فرض گردند مگر آن که خلاف آن ثابت شود و افراد ۱۵ سال تمام شمسی اصولاً بالغ و رشید و فرض گردند مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد یا در رشد جزایی آنان شبهه ای وجود داشته باشد.^۲

محدودیت و سخت گیری های نامعقول

قانون گذار مجازات اسلامی ۹۲ در پاسخ به بزهکاری اطفال و نوجوانان محدودیت های ناموجهی را پیش بینی نموده است چه آنکه: اولاً، قانون گذار با تعیین حداقل سنی ۹ سال تمام شمسی به عنوان معیار مسئولیت نسبی، عملاً امکان اتخاذ اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به اطفال ممیز کمتر از ۹ سال تمام شمسی را سلب نموده است. به عبارت دیگر با آنکه ماده ۱۴۸ مقرر می دارد در مورد افراد نابالغ اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال گردد؛ اعمال این گونه اقدامات نسبت به اطفال ممیز کمتر از ۹ سال تمام شمسی طبق ماده ۸۸ قانونا ممکن نیست و حال آنکه به حال خود رها نمودن و عدم اتخاذ هر گونه تصمیمی در مورد آنان به هیچ وجه به مصلحت نخواهد بود. (آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۴۰) بنابراین پیشنهاد می شود که سن عدم مسئولیت مطلق پایین تر از ۹ سال شمسی قرار داده شود. ثانیاً: اجباری نمودن اتخاذ برخی تصمیمات و برای نمونه، الزامی نمودن نگهداری در کانون اصلاح و تربیت وفق تبصره ی یک ماده ی ۸۸ و غیر قابل تجدیدنظر شناختن آن وفق تبصره ی ۳ ماده ی ۸۸ مغایر با اهداف اصلاحی - درمانی و ضرورت افزایش اختیارات قضایی در این باب است. ثالثاً: در اعمال کیفیات مخففه وفق ماده ی ۹۳ محدودیت ها و سخت گیری های نامعقولی وجود دارد؛ نخست: مقرره ی مزبور تنها تقلیل مجازات را تجویز می نماید، وفق ماده ی ۳۷ کیفیات مخففه می تواند موجب تبدیل مجازات، تقلیل و تبدیل همزمان مجازات نیز شود. دوم: ماده ی ۹۳ معافیت از کیفر را نیز پیش بینی ننموده است و حال آنکه وفق ماده ی ۳۹

^۱ نیاز پور، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان؛ فرآیند پاسخ دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

^۲ مهرپور محمد آبدی، حسین (۱۳۹۲)، «مطالعه برخی نوآوری های قانون گذار در لایحه ی مجازات اسلامی در دست تصویب»، دایره المعارف علوم

جنایی مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی)، کتاب دوم، نشر میزان

دادگاه می تواند در جرایم تعزیری درجه ی ۷ و ۸ با لحاظ کیفیات مخففه حکم به معافیت از کیفر دهد. سوم: میزان تخفیف مجازات وفق ماده ی ۹۳ حداکثر تا نصف آن ممکن است و حال آنکه میزان تخفیف مجازات وفق ماده ی ۳۷ می تواند بیش از آن و تا حداکثر یک هشتم باشد. برای نمونه، مجازات جزای نقدی جرم درجه ی پنج می تواند به جزای نقدی جرم درجه ی هفت تقلیل یابد. (آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۱۴۸)

رابعاً: محدودیت های مقرر در ماده ی ۹۰ برای بازنگری در تصمیم دادگاه مغایر با اهداف اصلاحی - درمانی است. امکان بازنگری هر بار و هر زمان نسبت به کلیه ی تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان بدون هیچ گونه پیش شرطی در تحمل میزان و مدت معین از تدابیر و اقدامات قابل اعمال و پیش بینی طیف وسیعی از گزینه های ارفاقی اعم از معافیت، تقلیل، تبدیل با قید اخذ نظریه ی کارشناسان و مددکاران اجتماعی در تحقق اهداف اصلاحی - درمانی مطلوب به نظر می رسند. خامساً: مفاد ماده ۹۱ ضمن تعارض با مواد ۱۲۰ (قاعده ی درء) و ۲۱۷ (شرایط مسئولیت کیفری در جرایم حدی) متضمن رویکرد سخت گیرانه ای نسبت به اطفال و نوجوانان در مقایسه با بزهکاران بزرگسال می باشد. زیرا مطابق مواد قانونی اخیرالذکر جهل به حرمت عمل، شبهه در هر یک از شرایط مسئولیت کیفری مانع از ایجاد مسئولیت کیفری به طور کلی می شوند؛ این در حالی است که در شرایط مشابه وفق ماده ۹۱ مسئولیت کیفری به طور کامل زایل نخواهد شد بلکه صرفاً موجب کاهش مجازات از حد یا قصاص به تعزیر خواهد بود.

مقررات مبهم و ناقص

وجود برخی مقررات مبهم و ناقص از جمله نارسایی های قانون مجازات اسلامی ۹۲ می باشد. چه آنکه: اولاً: در نحوه ی تعیین مجازات تعزیری وفق ماده ی ۹۱ به هنگام کاهش مجازات حد یا قصاص به تعزیر ملاک روشنی وجود ندارد. این در حالی است که از یک سو ماده قانونی مزبور مقرر می دارد با توجه به سن افراد کمتر از هیجده سال به مجازات مقرر در فصل دهم محکوم می شوند؛ از است که افراد مشمول آن به مجازات تعزیری متناسب با کدام درجه از جرایم تعزیری محکوم می گردند. به علاوه روشن نیست که مجازات های مقرر در ماده ۸۹ نسبت به افراد بالغ کمتر از ۱۵ سال شمسی نیز وفق ماده ی ۹۱ قابل اعمال می باشد یا خیر؛ زیرا از یک سو سن مسئولیت کیفری در جرایم تعزیری ۱۵ سال شمسی است و از سوی دیگر جرم ارتكابی توسط افراد مشمول ماده ۹۱ از جرایم موجب حد یا قصاص است که تحت شرایط خاص مقرر در ماده ی مزبور به تعزیر تقلیل یافته است. ثانیاً: در خصوص مجازات های جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان موضوع ماده ۸۹ نارسایی ها و ابهاماتی وجود دارد. چه آنکه اولاً، فاقد ضمانت اجرا هستند. این در حالی است که مقنن برای امتناع از پرداخت جزای نقدی یا انجام خدمات عمومی رایگان به عنوان مجازات جایگزین حبس در مواد ۷۰ و ۸۱ ضمانت اجرا پیش بینی نموده است. ثانیاً، معلوم نیست که اعمال مجازات خدمات عمومی رایگان منوط به رضایت نوجوان می باشد یا خیر؛ این در حالی است که از یک سو در تعریف خدمات عمومی رایگان به عنوان مجازات جایگزین حبس بزرگسالان وفق ماده ۸۴ رضایت محکوم علیه شرط است. از سوی دیگر خدمات عمومی رایگان در ماده ۸۹ مجازات اصلی نوجوانان است. علاوه بر آن اجبار نوجوانان به خدمات رایگان با کنوانسیون منع اجبار اطفال به کار مغایرت دارد. (ر.ک: تحولات ناظر به مسئولیت کیفری صغار با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ (۸۸-۱۰۰)

ثالثاً: علی رغم آنکه قانون گذار وفق ماده ی ۹۴ مقرر نموده که دادگاه می تواند در مورد تمام جرایم تعزیری نوجوانان صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق نماید و به این ترتیب مشمول هیچ استثنایی به ویژه جرایم مقرر در ماده ی ۴۷ نمی باشد؛ در خصوص آنکه آیا احراز سایر شرایط و ضوابط کلی تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، در اعمال این نوع واکنش های ارفاقی نسبت به نوجوانان ضرورت دارد یا خیر، ابهام وجود دارد. آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب (۱۳۹۲/۱۵۰-۱۴۹) علاوه بر آن، روشن نیست که آیا این نوع واکنش های ارفاقی نسبت به مجازات تعزیری تعدیل یافته وفق ماده ۹۱ قابل اعمال می باشد یا خیر.

مقارنه با فقه جزایی اسلام

در نصاب سن بلوغ یا مفهوم آن میان فقهاء از دیرباز اختلاف نظر وجود داشته است. مطابق دیدگاه مشهور فقهای امامیه سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است. (تحریر الأحكام الشریعه علی مذهب الامامیه / ۲/۵۳۴؛ تحریر الوسیله / ۲/۱۳؛ القواعد / ۲/۵۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة / ۲/ ۳۵۰)

مسئولیت کیفری بر مبنای سن بلوغ امری کاملا دفاعی است. التزام به این دیدگاه مفید به این معنا خواهد بود که اطفال تا یک مقطع زمانی کاملا مبرا از مسئولیت کیفری اند و به محض رسیدن به سن بلوغ واجد اهلیت جزایی و مسئولیت کیفری کامل همچون بزرگسالان خواهند شد. این در حالی است که سن بلوغ مطابق دیدگاه فقهی مشهور به ویژه برای دختران بسیار پایین محسوب می شود. شدت مجازات ها به ویژه کیفر اعدام برای برخی جرایم به حساسیت موضوع می افزاید. این در حالی است که اولاً، بین فقهاء در سن بلوغ اختلاف وجود دارد. ثانیاً، برخی از فقهای امامیه برای افزایش سن بلوغ نظریه ای متفاوت از دیدگاه فقهی مشهور دارند. (بلوغ دختران / ۳۰۷؛ بلوغ البنات / ۱۵) بدین روی مسئله ی اساسی و نخست آن است که سن بلوغ فی نفسه از عناصر اهلیت جزایی در فقه اسلامی به شمار می آید و از این حیث دارای موضوعیت است یا آن که صرفاً جنبه ی آمریت و کاشفیت از بلوغ و رشد عقلانی دارد. دفاعی یا تدریجی بودن مسئولیت کیفری و اختیار یا عدم اختیار حاکم شرع در تعیین سن مسئولیت کیفری و نوع پاسخ ها از موضوعات متفرغ بر مسئله ی نخست می باشند.

نتیجه گیری:

کودک در فرهنگ ایرانیان موهبتی الهی است که حفظ و رشد و تعالی بخشی او هم حق، و هم تکلیف والدین شناخته شده و نیز از وظایف دولت و جامعه محسوب می شود. بسیاری از صاحب نظران در حوزه های مختلف علمی موکدا هشدار داده اند که در صورت عدم توجه به سلامت فردی و اجتماعی کودکان، در آینده شاهد خسارات جبران ناپذیری خواهیم بود. و از سوی دیگر بزهکاری اطفال پدیده ای است که جوامع بشری همواره با آن روبرو هستند و برای پاسخ دهی به آن باید از الگوی حمایتی و روش های اصلاحی-درمانی بهره جست، زیرا بزهکاری این دسته معمولاً تحت تأثیر احساسات دوران طفولیت، به شکل ساده و متاثر از یک اراده مخدوش، واقع می شود. از همین رو آنان باید به جای سرزنش شدن، تحت مراقبت و حمایت نظام عدالت کیفری قرار گیرند تا از طریق ترمیم فرآیند مختل شده تربیتی و به کارگیری تدابیر اصلاحی درمانی، فرصت بازگشت به زندگی سالم اجتماعی و هم نوایی با هنجارهای بنیادین اجتماعی را بیابند.

با تامل در تحولات قرون جدید در می یابیم که گرایش قانونگذار از عدالت ارعابی به عدالت ترمیمی سوق پیدا کرده است و این انعطاف در حوزه محاکمه کیفری اطفال آشکارتر است. در همین راستا تصمیم گیران سیاست جنایی بین المللی از رهگذر شماری از اسناد بین المللی الزام آور و ارشادگر، دولت ها را به سمت ایجاد یک نظام کیفری اصلاحی درمانی در قبال اطفال بزهکار رهنمون ساخته اند.

در ایران هم به دلیل جوان بودن جمعیت، اطفال و نوجوانان در ردیف اول منابع انسانی قرار دارند و عدم توجه به سرمایه های عظیم جامعه یعنی جوانان و نوجوانان، که سرمایه های اصلی پیشرفت و تعالی جامعه هستند. نتایج زیانباری را در پی خواهد داشت. وجود پدیده بزهکاری و بزه دیدگی کودکان در واقع معلول وجود شرایط اجتماعی و وضعیت خاص خود کودکان است. به همین دلیل، قانونگذاران و برنامه ریزان، باید توجه ویژه ای را به حقوق کودکان به عنوان موجوداتی آسیب پذیر داشته باشند تا از افزایش و رشد بزهکاری و بزه دیدگی جلوگیری شود

امروزه ما به دلیل سرگردانی قانونگذار در خصوص چگونگی انطباق سیاست جنایی با واقعیت های علمی، اجتماعی و گزینش الگوی اصلاحی درمانی در قبال اطفال بزهکار، همچنان با چالش های متعددی روبرو هستیم، چنان که هنوز نمی توان از یک الگوی مشخص، در قلمرو عدالت کیفری اطفال سخن گفت.

مقنن با عنایت به حکم اصل چهارم قانون اساسی ناظر بر انطباق کلیه قوانین رسمی کشور با موازین شرعی، در قانون مجازات اسلامی این دغدغه را این گونه رعایت نمود که در غالب موارد، متون فقهی معتبر از نظر هیات حاکمه را ترجمه و به عنوان قانون جزای ایران معرفی نموده است. لذا به سهولت نمی توان از حمایت یا عدم حمایت مقنن از کودک بزهکار به صورت علمی و آگاهانه سخن به میان آورد اما شاید بتوان گفت، مقنن رجعی آشکار به موازین فقه امامیه نموده است. همچنین مقنن در خصوص تشریفات رسیدگی به جرایم اطفال بزهکار به طور معمول در لابلای مقررات عمومی فصلی را نیز به اطفال اختصاص داده و قانون ویژه ای را مورد تصویب قرار نداده است و از طرف دیگر از همان نهاد ها و تاسیسات مورد استفاده در دادرسی بزرگسالان استفاده نموده است

مطابق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اطفال از مسئولیت کیفری میری هستند و در نتیجه نمی توان آنان را به دلیل ارتکاب جرم سزاوار تحمل کیفر تلقی کرد و از سوی دیگر، بر اساس شماری از مواد این قانون، حکم کلی مقنن تخصیص یافته و اطفال به جهت ارتکاب برخی جرایم به کیفر شلاق محکوم می شوند، پس اعمال مجازات های بدنی بر این دسته (که فاقد مسئولیت کیفری هستند رواست و این مسئله قابل تأمل است.

با توجه به اینکه امروزه الگوی مورد توجه سیاست گذاران جنایی بین المللی در قبال بزهکاری اطفال، الگوی ترمیمی است، قانونگذار ایران نیز باید در راستای بازبینی در مقررات کنونی گام بردارد؛ زیرا به رسمیت شناختن الگوی بازپروری و به کار گیری تدابیر اصلاحی درمانی می تواند نقش بسزایی در پیشگیری از تکرار جرم این دسته ایفا کند.

مواد ۲۱۹ به بعد قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، تمهیدات و تدابیری در جهت رسیدگی به جرایم اطفال در نظر گرفته است

که هدف این تمهیدات، جلوگیری از جری شدن طفل با حفظ آبرو و حیثیت وی، اطلاع سرپرست طفل از جرایم ارتكابی وی جهت انجام تدابیر تربیتی، جلوگیری از ورود صدمات روحی و روانی به طفل، اعمال تنبیه در حد لازم با اعمال کیفیات مخففه در مورد طفل و... است. اگر چه تمامی این تمهیدات مورد تایید است اما نقایصی نیز به چشم می خورد که با توجه به الحاق کشور جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، باید در جهت رفع این نواقص و تطبیق قوانین داخلی با مواد کنوانسیون کوشید.

مثلا مطابق ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک اجرای مجازات اعدام و حبس ابد برای افراد کمتر از ۱۸ سال ممنوع است. بدیهی است که واژه عام اعدام در این ماده، انواع مختلف مجازات های سالب حیات را در بر می گیرد و عناوین خاصی که این گونه مجازات ها ممکن است در قوانین داخلی کشور ها داشته باشند، نمی توانند توجیه کننده نقض تعهدات بین المللی آن ها باشند. به ویژه که کمیته حقوق کودک به عنوان رکن ناظر بر اجرای این کنوانسیون، در موارد متعدد مفاد ماده ۳۷ را در زمره مقررات بنیادین و غیر قابل تعلیق کنوانسیون دانسته که تخطی از آن، تحت هیچ شرایطی مجاز نیست. و با توجه به مطالب فوق به نظر می رسد چالش منطق فقهی و حقوقی با اسناد و مقررات بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک در قبال موضوع قصاص اطفال بالغ کمتر از ۱۸ سال، که در دوران نوجوانی مرتکب قتل عمدی شده در حوزه سیاست کیفری تقی و قضایی ایران همچنان پابرجا باشد.

باید توجه داشت که در خصوص آیین دادرسی کیفری که صرفا تشریفات رسیدگی را تعیین می کند و با هدف انجام دادرسی عادلانه و مفید تصویب می گردد، در نظر گرفتن هر گونه تمهیدی، مغایرتی با شرع اسلام نخواهد داشت.

نوآورهای تقنینی ناظر بر پذیرش تاثیر رشد جرائی در مسئولیت کیفری به آنگونه که بیان شد غالبا همسو با فقه جرائی اسلام است. چه آنکه در فقه اسلامی نیز توجه مسئولیت کیفری به اشخاص علی القاعده منوط به احراز رشد عقلی است و معیار مسئولیت کیفری برحسب آیات الهی و روایات در این باب نه صرفاً تشریحی بلکه مجموعه نشانه هایی تکوینی است که سن در آن موضوعیت ندارد. وفق بنائات عقلایی از قبیل تنقیح مناط و قیاس اولویت، قبح عقاب بلا بیان و قاعده ی دراء برخوردار از مرتبه ای از بالندگی عقلی که از آن در اصطلاح به «رشد کیفری» تعبیر می شود می تواند به عنوان عنصری تعیین کننده در تعیین مبدء

استحقاق مسئولیت کیفری تلقی گردد. از این رو ملاحظه می شود که برخی از فقهاء صریحاً با به نحو ضمنی به دخالت رشد در مسئولیت کیفری اشاره نموده اند. به لحاظ ارتباط وثیقی که میان جرم و مجازات با نظم عمومی وجود دارد میزان دخالت حاکم شرع در جرم انگاری و اجرای مجازات ها به منظور حفظ نظم عمومی گسترده است. حاکم شرع می تواند مطابق قاعده التعلیر به مایراه الحاکم» رفتارهای خاصی را برای گروه های سنی خاصی که افزون بر بلوغ به درجه ای از کمال عقلی رسیده باشند جرم انگاری و نوع و میزان پاسخ به رفتار مجرمانه را بر اساس در جوی رشد فکری و عقلانی مرتکبان تعیین و اعمال نماید. مطابق قاعده «اقامه الحدود الی الامام» حاکم شرع در خصوص شرایط و نحوه ی اجرای حدود از اختیارات لازم جز آنچه صریحاً منع شده باشد برخوردار خواهد بود. از جمله ی این اختیارات را می توان در تأخیر اجرای حدود اصطلاحی به سنی پس از ته با پانزده سال تمام قمری برای دختران با پسران و نیز اعمال تأدیب یا تعزیر برای سال های پیش از آن قلمداد نمود. ارتباط جرم قتل و سایر جنایات با نظم عمومی زمینه ی مداخله ی دولت در چند و چون اجرای کیفر آن را فراهم می آورد. بنابراین تعیین سن خاصی برای اجرای قصاص در جنایات مذکور در حدود اختیارات حاکم شرع و موافق با موازین شرعی قلمداد می گردد. با اینحال از برخی نارسایی ها و اشکالات قانونی و تعارض ها با فقه اسلامی نمی توان چشم پوشی نمود. تعیین حداقل های سنی چندگانه به عنوان معیار مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، قانوناً غیر ممکن بودن اتخاذ اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به اطفال ممیز کمتر از ۹ سال تمام شمسی، تعارض مفاد ماده ۹۱ دائر پر صرف کاهش مجازات از حد یا قصاص به تعزیر در صورت وجود شبهه در رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از هیجده سال با قاعده درء به عنوان یکی از جهات سقوط مجازات از مهمترین نارسایی ها و ایرادات و تعارض های قانونی با فقه اسلامی محسوب می گردد. از اینرو پیشنهاد می گردد اولاً، سن مسئولیت کیفری در جرایم موجب حد یا قصاص نیز همچون جرایم تعزیری ۱۵ سال تمام شمسی قرار داده شود؛ با این تفاوت که در جرایم موجب حد یا قصاص و به اقتضای جمع میان قاعده ی درء و نظم عمومی، افراد کمتر از ۱۵ سال تمام شمسی اصولاً غیر بالغ و غیر رشید فرض گردند مگر آن که خلاف آن ثابت شود و افراد ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی اصولاً بالغ و رشید و فرض گردند مگر آنکه خلاف آن ثابت گردد یا در رشد جزایی آنان شبهه ای وجود داشته باشد. ثانیاً، سن عدم مسئولیت مطلق پایین تر از ۹ سال شمسی قرار داده شود. ثالثاً، وجود شبهه در رشد و کمال عقل افراد بالغ کمتر از هیجده سال مسقط هر گونه مجازات اعم از حدو قصاص یا تعزیر به استناد قاعده درء شناخته شود.

منابع

- قیاسی، جلال الدین و حیدری، مسعود (۱۳۹۲) « مطالعه معیار بلوغ در تحقق مسئولیت کیفری در لسان شرع متشرعین و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال ۹، شماره ۳۲
- میر سعیدی، سیدمنصور (۱۳۸۳)، مسئولیت کیفری: قلمرو و ارکان، نشر میزان
- مهرپور محمد آبادی، حسین (۱۳۹۲)، « مطالعه برخی نوآوری های قانون گذار در لایحه ی مجازات اسلامی در دست تصویب»، دایره المعارف علوم جنایی مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی، کتاب دوم، نشر میزان
- نوبهار، رحیم (۱۳۹۱)، « سن و مسئولیت کیفری بازخوانی نظریه مشهور فقهای امامیه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره دوم
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین با سیاست جنایی سازمان ملل متحد، مجله تحققات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۷۴، ۱۸، ح ۳۴۵
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۹۲)، درباره سیاست جنایی افتراقی، دیباچه در: درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته ی کریستین لازرژه ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم
- نیاز پور، امیرحسین (۱۳۹۳)، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان؛ فرآیند پاسخ دهی به بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

- UNICEF(2005).UN Human Rights Standards and Mechanism to combat Violence against children:A contribution to the UN secretary General's study on Violence against children Florence UNICEF innocent Research center.Available at:www.UNCIF.org/south Africa/SAF-resources/r12